

زمینه‌یابی فرایند پیمان‌شکنی زناشویی در مراجعین به مرکز روان‌پزشکی اجتماعی بیمارستان نور

طاهره حیدری ممدی^۱، سعید وزیری یزدی^۲، سید حسین عبادی^۳

مقاله پژوهشی

چکیده

زمینه و هدف: خیانت زناشویی ازجمله عواملی است که سلامت خانواده را با چالش مواجه کرده و مهم‌ترین عامل تهدیدکننده عملکرد، ثبات و تداوم روابط زناشویی است. هدف از انجام پژوهش حاضر، بررسی زمینه‌یابی فرایند پیمان‌شکنی توسط مردان بود.

مواد و روش‌ها: پژوهش حاضر با رویکرد کیفی - زمینه‌یابی نظری بوده است. جامعه‌ی مورد مطالعه این پژوهش عبارت بودند از: کلیه‌ی زنان که در فرایند پیمان‌شکنی قرار گرفته بودند و به درمانگاه روان‌پزشکی اجتماعی بیمارستان نور مراجعه کرده بودند. نمونه این تحقیق شامل ۸ نفر زن آسیب‌دیده از پیمان‌شکنی همسر بودند که به‌طور هدفمند انتخاب شدند. روش اصلی جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش مصاحبه نیمه سازمان‌یافته یا غیر سازمان‌یافته بود.

یافته‌ها: نتایج حاصل از مصاحبه‌ها در ۴ مقوله عوامل زمینه‌ساز پیمان‌شکنی، عوامل نگهدارنده و بازدارنده، واکنش‌ها و پیامدها خلاصه شد. عوامل زمینه‌ساز شامل عوامل فردی، بین فردی و اقتصادی، عوامل نگهدارنده نیز شامل عوامل فردی و بین فردی، عوامل بازدارنده شامل عاطفه مادری، مسئولیت‌پذیری یک‌جانبه و حس ترحم زن، دوست داشتن فرزندان از طرف مرد و مقید بودن مرد به واجبات دینی همچنین واکنش‌ها شامل آشکار شدن موضوع خیانت توسط زن، تعاف زن، تلاش برای کشف حقیقت، گوش‌به‌زنگی، سوگ، انکار و پیامدها شامل تلاش برای انتقام، سکوت کردن و تلاش برای بازسازی رابطه بود.

نتیجه‌گیری: با توجه به یافته‌های پژوهش در نظر گرفتن عوامل زمینه‌ساز پیمان‌شکنی و ویژگی‌های فردی زوج در پایداری و یا عدم ثبات یک رابطه‌ی زوجی نقش مهمی ایفا می‌کند. در نظر گرفتن این عوامل توسط مشاورین و زوج درمانگران می‌تواند در افزایش ثبات زوجی مؤثر باشد.

واژه‌های کلیدی: ازدواج، خانواده، پیمان‌شکنی زوجین.

ارجاع: حیدری ممدی، طاهره، وزیری یزدی سعید، عبادی سیدحسین. زمینه‌یابی فرایند پیمان‌شکنی زناشویی در مراجعین به مرکز روان‌پزشکی اجتماعی بیمارستان نور. مجله تحقیقات علوم رفتاری ۱۳۹۸؛ ۱۷(۲): ۳۴۷-۳۳۶.

پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۰۵/۲۸

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۱/۱۹

۱- کارشناس ارشد، گروه روانشناسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

۲- استادیار، گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

۳- مدرس دانشگاه فرهنگیان، گروه علوم تربیتی، اصفهان، ایران.

Email: s.vaziri@iauyazd.ac.ir

نویسنده مسئول: سعید وزیری یزدی

مقدمه

خانواده به عنوان نهاد اصلی اجتماع است که پایه اصلی برای سایر نهادهای اجتماعی بوده و دارای دو عملکرد اساسی اجتماعی کردن و ایجاد ثبات شخصیت افراد می باشد. تنظیم رفتار جنسی و تولیدمثل، حمایت و مراقبت، دستیابی به آرامش روانی، ارضای نیازهای عاطفی، جامعه پذیری و کنترل و نظارت بر رفتار کودکان برخی از کارکردهای این نهاد می باشد (۱). به اعتقاد برخی صاحب نظران مسئله ی خیانت زناشویی یا عهدشکنی، یکی از تلخ ترین مسائلی است که بسیاری از زوجین با آن روبرو هستند (۲).

یکی از چالش های زندگی مشترک که عملکرد، ثبات و تداوم روابط زناشویی را خدشه دار ساخته، خیانت زناشویی است که به وسیله آن بدون اینکه فرد به یک تخلف جنایی آشکار دست بزند جنبه مشکل زا و تاریک تر شخصیت خود را نشان می دهد (۳). بی وفایی زناشویی پدیده ای است که اغلب به خاطر برطرف شدن نیازهای عاطفی فرد از طریق روابط خارج از حیطه زناشویی به وقوع می پیوندد (۴). خیانت همسر، شبیه علائم پس از ضربه و با علائم شوک، سردرگمی، خشم، افسردگی، آسیب دیدن عزت نفس و کاهش اعتماد به نفس در مسائل شخصی و جنسیتی همراه است. (۵). مشاهدات بالینی و بررسی های علمی نشان می دهند که برملا شدن خیانت زناشویی تأثیر مخرب، تکان دهنده و شدیدی بر زوجها می گذارد. متخصصان بالینی گزارش می دهند که فرد آسیب دیده از خیانت زناشویی، اغلب بین احساس خشم نسبت به فرد خطاکار و اقدام کننده و احساسات درونی خجالت، افسردگی، بی رمقی طاقت فرسا، احساس قربانی شدن و رهاشدگی در نوسان هستند (۶). خیانت به همسر یکی از معضلات عمده در جوامع غربی است و به همین دلیل مجموعه وسیعی از مطالعات به این موضوع اختصاص یافته است. کیفیت یا دفعات کم رابطه جنسی در روابط زناشویی و نداشتن تشابه و تفاهم در ازدواج، عوامل زمینه ساز رابطه جنسی خارج از ازدواج است؛ شاید درگیری افراد در این رابطه، ابزاری برای بازگرداندن تعادل باشد (۷). از دیگر دلایل خیانت همسران، ناسازگاری زناشویی است. چه بسا که پس از کشف و افشاء خیانت همسر تعارضات فزونی می یابد و لازم است در فرایند ترمیم آسیب های ناشی از بی وفایی به این مقوله

توجه گردد. افرادی که دلبستگی اضطرابی و هم چنین جهت گیری جنسی اجتماعی محدود نشده دارند، شانس بیشتری برای خیانت به همسر خود دارند. از آنجایی که وجود نفر سوم برای درگیر شدن در خیانت ضروری است، بنابراین شناخت بیشتر شریک خیانت به غنی کردن مسائل مربوط به خیانت کمک می کند (۸). طی پژوهشی، پاسخ های شناختی همسران آسیب دیده از عهدشکنی را ناآرامی شدید هیجانی اغلب با آشفتگی شناختی شناسایی کردند. یک اختلال مهم تجربه شده به وسیله ی همسر زخم خورده، نشخوار فکری و وسواس گونه در مورد این رویداد است که می تواند آن قدر شدید و غیرقابل کنترل شود که در عملکرد روزانه تفکر فرد، اختلال ایجاد کند. پاسخ شناختی مهم دیگری که در موقع کشف رابطه ی فرا زناشویی بیان می شود، تغییر در باورهای فرد نسبت به همسر و ارتباط با او است. شخص دیگر نمی تواند اعتماد بیشتری نسبت به همسر خود داشته باشد و در ارتباط با او احساس امنیت کند (۹). در مطالعه ای نقش پررنگ جنسیت در بروز خیانت را بیان کرده اند و اینکه فراوانی بیشتر مردان خیانت کرده نسبت به زنان است. (۱۰). هدف پژوهش حاضر، بررسی زمینه یابی فرآیند پیمان شکنی توسط مردان بوده است.

مواد و روش ها

در پژوهش حاضر متغیری که مورد بررسی قرار گرفت، زمینه ساز فرآیند و پیامدهای پیمان شکنی بود. این پژوهش به صورت کیفی از نوع نظریه زمینه ای بود. جامعه ی مورد مطالعه این پژوهش عبارت بودند از: کلیه ی زنانی که در فرایند پیمان شکنی قرار گرفته بوده و به درمانگاه روان پزشکی اجتماعی بیمارستان نور مراجعه کرده بودند. نمونه این تحقیق شامل ۸ نفر زن آسیب دیده از پیمان شکنی همسر بودند که به طور هدفمند انتخاب شدند. روش اصلی جمع آوری داده ها در این پژوهش مصاحبه نیمه سازمان یافته یا غیر سازمان یافته بود یا به عبارت دیگر گفتگوی عمیق و ژرف محقق و شرکت کنندگان درباره زمینه یابی پیمان شکنی زناشویی بوده است. در ابتدا مراجعه کنندگان خانمی که مورد خیانت واقع شده بودند به درمانگاه روان پزشکی اجتماعی بیمارستان نور مراجعه کرده و با آنها مصاحبه هایی انجام گرفت و پس از مشاهدات و

مصاحبه‌های کامل وارد مرحله اجرای تحقیق شد که تمام مصاحبه ابتدا گوش داده شده و بر روی کاغذ نوشته و نکات مهم به‌صورت گزاره نوشته شده و بعد هم به‌صورت مفاهیم و مقوله درآمده و پس از انجام مصاحبه‌ها و پیاده کردن آن‌ها بر روی کاغذ، تجزیه و تحلیل کیفی داده‌ها طبق مراحل زیر انجام شد.

۱- مطالب مهم موردنظر در مصاحبه‌ها به چند موضوع

اصلی تقسیم شد.

۲- مطالب مرتبط با هر موضوع اصلی در متن هر مصاحبه، به‌طور جداگانه در ستون اول جداولی وارد شد. (در این قسمت عین جملات مصاحبه‌شوندگان منتقل شد).

۳- در ستون دوم جدول‌های مذکور، مقولات فرعی (کدهای اولیه) یادداشت شد. هدف از این مرحله آسان‌تر کردن دسترسی تحلیل‌گر، به موضوع‌ها و مطالب منظم شده‌ی هر مصاحبه بود.

۴- با استفاده از ستون‌های اول و دوم جداول تهیه شده کلیه‌ی مطالب مرتبط با پیمان‌شکنی، در هر مصاحبه به‌طور جداگانه جمع‌آوری شد.

۵- در متن تعدادی از مصاحبه‌ها بعضی کلمات تکراری که حاوی نکاتی جالب‌توجه در تحلیل نیز بودند، وجود داشت و یا مصاحبه‌شونده بر موضوع خاصی تأکید بیشتری داشت. در موارد لازم از این موضوع در تحلیل کیفی استفاده شد.

۶- از مجموع آنچه به دست آمد به عوامل زمینه‌ساز، عوامل نگهدارنده و بازدارنده، واکنش‌ها و پیامدها به دست آمدند (۳).

یافته‌ها

یافته‌های این پژوهش حاصل بارها بازبینی و دوباره خوانی تمام مسیر مصاحبه‌ها است. در این پژوهش اهداف و سؤالات اولیه‌ی تحقیق نیز مورد بازاندیشی قرار گرفت.

نتایج حاصل از عوامل زمینه‌ساز افراد خیانت دیده در جدول ۱ بیان شده است. همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، عوامل زمینه‌ساز فرایند پیمان‌شکنی به‌عنوان یک مقوله اصلی، حاصل مفاهیم مختلفی بود که شامل عدم آمادگی برای ازدواج، علاقه به تحصیل، توجه بیش‌ازحد به محرک‌های بینایی، اهل فضای مجازی بودن، تجارب قبلی جنسی، ازدواج موقت، سفرهای متعدد کاری مرد، عدم توانایی مرد برای مرز سازی بین

خود و نفر سوم، عوامل مستعد کننده، نبود حریم / مرزهای درهم‌وبرهم، ازدواج سنتی / فامیلی، سابقه ازدواج ناپایدار در خانواده، نقش دوگانه مسائل اقتصادی که از این مفاهیم مختلف سه مفهوم اصلی فردی، بین فردی و اقتصادی به دست آمد که خود پدیدآورنده مقوله اصلی عوامل زمینه‌ساز فرایند پیمان‌شکنی شده است.

فرایندهای پیمان‌شکنی به دو دسته عوامل نگهدارنده و عوامل بازدارنده تقسیم می‌شوند. این دو مقوله اصلی عوامل نگهدارنده و بازدارنده به تفکیک در جداول ۲ و ۳ ارائه شده است. همان‌طور که در جدول ۲ نشان داده شده است، فرایند نگهدارنده، به خودی خود شامل دو مفهوم فردی و بین فردی است. عوامل فردی شامل فاصله مکانی زن از خانواده مبدأ، نداشتن حمایت عاطفی زن، ترس از انگ خوردن به‌عنوان بیمار روانی، عدم صمیمیت و عدم تعهد اخلاقی مرد و عوامل بین فردی خود به سه دسته اصلی تقسیم شدند که شامل الگوی ارتباطی زوج، فرایندها و آبرو مانعی برای افشاء بود که این عوامل دست‌به‌دست هم داده‌اند و مقوله اصلی عوامل نگهدارنده را به وجود آورده‌اند. عواملی که باعث شده است فرد پیمان‌شکن در این مقوله اصلی بماند.

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود بر اساس مصاحبه‌های انجام گرفته و گزاره‌هایی که از دل این مصاحبه‌ها به‌دست آمده، سه مفهوم عاطفه مادری، مسئولیت‌پذیری یک‌جانبه و حس ترحم زن، دوست داشتن فرزندان از سوی مرد، وابستگی مرد به زن و مقید بودن مرد به واجبات دینی به‌دست آمد که خود مقوله اصلی بازدارندگی را پدید آورده است که جز سؤال اصلی فرایندهای پیمان‌شکنی بوده است. فرایند پیمان‌شکنی خود دارای واکنش‌ها و پیامدهایی است که در ادامه به آن اشاره شده است.

بر اساس مصاحبه‌های انجام گرفته و گزاره‌هایی که از دل این مصاحبه‌ها به‌دست آمده، واکنش‌های ناشی از پیمان‌شکنی در شش مفهوم اصلی که شامل آشکار شدن موضوع خیانت مرد توسط زن، تجاهر و تغافل زن، تلاش برای کشف حقیقت و گوش‌به‌زنگی، سوگ، انکار و تغییر نقش‌ها؛ والد کنترل‌گر و کودک آزاده خلاصه شده است.

جدول ۱. مفاهیم و مقوله‌های استخراج از مصاحبه مرتبط با عوامل زمینه‌ساز فرایند پیمان‌شکنی

مفهوم	مفاهیم	گزاره
فردی	عدم آمادگی برای ازدواج	وقتی خواستگار می‌آمد ناراحت می‌شدم چون دوست داشتم درس بخوانم
	علاقه به تحصیل	بعد از گرفتن دیپلم ازدواج کردم
	توجه بیش از حد به محرک‌های بینایی	دانشجو بودم که ازدواج کردم و به دلیل ازدواج در شهر دیگر مجبور به ترک تحصیل شدم
	اهل فضای مجازی بودن	شوهر من از نظر چشمی می‌توانست راحت با زنان دیگر ارتباط برقرار کند در مقابل من با زنان دیگر شوخی‌های رکیک می‌کرد همیشه با جاری‌ام باهم با چشم حرف می‌زدند نگاه‌های خاصی به خاله‌ام داشت شوهر من بیشتر وقتش را در فضای مجازی با زنان دیگر می‌گذراند و می‌گفت به خاطر شغل من است. بیشتر کامنت‌هایش را زنان می‌گذاشتند همیشه در حال پیام دادن است همیشه با موبایلش به دستشویی می‌رفت
بین فردی	تجارب قبلی جنسی	یک‌بار که گوشیش را چک کردم عکس‌های سکسی از او دیدم که فهمیدم عقد موقت هم داشته است
	ازدواج موقت	زمانی که با شوهرم رابطه زناشویی داشتیم احساس می‌کردم که از رابطه با یه دختر خوشش نمی‌آید شوهرم فرم بدن من را نمی‌پسندید در روز عقدم فهمیدم که شوهرم با زنان دیگر رابطه داشته
	سفرهای متعدد کاری مرد	شوهرم همیشه به بهانه‌های کاری به مسافرت می‌رفت که فهمیدم با دختری در شهر دیگری آشنا شده اوایل پرخاشگری‌هایش به صورت کلامی بود بعد کت کاری هم می‌کرد
	عوامل مستعدکننده	وقتی عصبانی می‌شد همه چیز را پرت می‌کرد همیشه به صورت رک می‌گفت من از خانواده تو بدم می‌آید شوهر من فرد گستاخی است و قدر من را ندارد
بین فردی	نبود حریم/ مرزهای درهم‌وبرهم	زمانی که من سرکار بودم شوهرم سعی می‌کرده به بهانه‌های مختلف باخانم همسایه ارتباط برقرار کند حتی در روز عقدم جاری‌ام شوهرم را بوسید ۱۷ ساله بودم که با پسرعمویم ازدواج کردم و عاشق نشدم برای اینکه مادر نداشتم و با نامادری زندگی می‌کردم و خانواده پرجمعیتی بودیم مجبور شدم ازدواج کنم دوران عقدم کلاً ۴۵ روز طول کشید در دوران عقد با شوهرم بسیار مشکل داشتم ولی چون دوست‌دختر و پسر بودیم نمی‌تونستم کاری بکنم سابقه طلاق در خانواده داشتیم دیگه من نمی‌تونستم طلاق بگیرم خودم هم در یک خانواده مطلقه زندگی می‌کردم
	ازدواج سنتی- فامیلی	همیشه شوهرم را برای اخراج منشی‌اش از مطب تهدید می‌کنم که اگر این کار را نکند طلاق می‌گیرم.
	سابقه ازدواج ناپایدار در خانواده	با برادر بزرگ‌ترم کار می‌کرد و خرج زندگی ما روی دوش برادرم بود اصلاً خرجی نمی‌داد چون همسرم خرجی نمی‌داد حالم به هم می‌خورد بخواهم برای هزینه‌های بیماری جروبحث کنم ولی می‌دانم که برای یکی از خانم‌ها مغازه گرفته و خرجی‌اش را می‌داده
	عدم توانایی مرد برای مرز سازی بین خود و نفر سوم	زمانی که مسافر تهران می‌برد بعد از برگشت من موبایلش را چک کردم می‌دیدم که هرچند ساعتی یک‌بار ۱۰۰ هزار تومان واریزی داشته است به دلیل مشکلات اقتصادی خانواده‌ام نمی‌تونستم طلاق بگیرم همیشه سعی می‌کرد از نظر مالی من را تمکین کند.
اقتصادی	نقش دوگانه مسائل اقتصادی	

جدول ۲. مفاهیم و مقوله‌های استخراج از مصاحبه مرتبط با عوامل نگهدارنده فرایند پیمان‌شکنی

مفهوم	مفاهیم	گزاره
فردی	فاصله مکانی زن از خانواده مبدأ	با خانواده همسرم از نظر مسافت مکانی در دو استان که از نظر فرهنگی هم به درد هم نمی‌خوردیم ازدواج کردم.
	نداشتن حمایت عاطفی	به دلیل شرایط خانواده مجبور شدم در سن کم ازدواج کنم و بعد از طلاق نمی‌توانستم به منزل پدری بازگردم.
	زن	خودم هم در یک خانواده مطلقه بزرگ‌شده بودم که زیاد راحت نبودم.
	ترس از انگ بیمار روانی خوردن	قرص‌های اعصاب و روان نمی‌خورم چون نمی‌خواستم خود را وابسته کنم. شوهرم بعد از ترک مصرف مواد اصلاً داروهای روان‌پزشکی مصرف نمی‌کرد.
الگوی ارتباطی زوج	عدم صمیمیت و عدم تعهد اخلاقی مرد	شوهرم همیشه در ارتباط برقرار کردن با زنان دیگر بسیار راحت بود و هیچ‌گاه به هشدارهای من هم توجه نمی‌کرد. شوهرخاله‌ام دوست صمیمی و همکار شوهرم بود. شوهرم به دلیل شغل مسافرکشی زیاد بیرون از شهر می‌رفت. همیشه خاله‌ام منزل ما بود.
	ارتباط مکرر مرد با نفر سوم	به دلیل موقعیت شغلی و شوهرم و همکار بودن آن‌ها همیشه با خاله‌ام در ارتباط بودیم. شوهرم به دلیل اینکه پزشک بود همیشه در مطب با منشی‌اش بود.
	الگوی ارتباطی زوج	شوهرم به بهانه دیدن من به محل کارم می‌آمد ولی من می‌دونستم با همکارم رقیق است. شوهرم هرروز صبح زود از منزل بیرون می‌رفت تعقیبش کردم دیدم رفت منزل خانمی که می‌شناختمش و می‌دونستم الان شوهرش شیفت کاری است.
	دروغ عامل ناپایداری رابطه	خاله‌ام و شوهرم به من حرف‌هایی که به ضدونقیض می‌زدند و هیچ کدوم در مورد رابطشون حرف راست نمی‌زدند. خانم همسایه می‌گوید: شوهرت به بهانه‌های مختلف می‌آید درب منزل ما، نمی‌دونم کی دروغ می‌گوید و کی راست؟ شوهرم می‌گوید در قبال عسلی که دختر برایش می‌آورد مادر او را به دکتر می‌برد و داروهایش را می‌خرد.
فرایندها	تحقیر و نادیده گرفتن زن	همیشه شوهرم احساساتش را در حضور من نسبت به زنان دیگر بیان می‌کرد در حدی که انگار من حضور نداشتم. وقتی دیگه نمی‌تونستم تلفن‌هایش را تحمل کنم بی‌محابا و با عصبانیت گوشی را می‌کشیدم. شوهرم با خاله‌ام رابطه داشت.
	آشنا بودن نفر سوم	شوهرم سعی می‌کرد به بهانه‌های مختلف کاری و فامیلی با شوهر خاله‌ام رابطه داشته باشد. شوهرم با همکار و دوست صمیمی من رابطه برقرار کرده بود. شوهرم با منشی مطبش رابطه داشت.
	پنهان کاری	زمانی که شوهرم با خاله‌ام بیرون می‌رفتند از من مخفی می‌کردند.
	بهانه مکرر برای اخراج نفر سوم	شوهرم می‌گفت به دلیل اداره بیمه نمی‌توانم منشی‌ام را اخراج کنم.
آبرو مانعی برای افشاء	احساس ناتوانی مرد برای اخراج نفر سوم	به همسرم فرصت می‌دادم که منشی‌اش را از مطب اخراج کند وگرنه طلاق می‌گیرم. شوهرم کارهای گذشته‌اش را علناً برایم بازگو می‌کرد.
	افشاء / اعتراف	همیشه شوهرم می‌گفت با تو ارضاء نمی‌شم و علناً درخواست می‌کرد برای رفع نیاز جنسی‌اش به خارج از کشور برود. شوهرم به من می‌گفت از زمانی که با تو ازدواج کردم به خاله‌ات علاقه‌مند شدم. خاله‌ام شفاف به من می‌گفت من الان با شوهرت فلان جا هستم. شوهرم علناً بیان می‌کرد که با منشی مطبش یک سالی است که رابطه دارد.
	عدم افشای موضوع به خانواده‌های مبدأ	شوهر من با همسر دوستش بسیار راحت‌تر از من برخورد می‌کرد. به دلیل آبروی مادر بزرگم هیچ کاری نمی‌توانستم بکنم.
	آبرو مانعی برای افشاء	به دلیل اینکه حمایت عاطفی و خانوادگی نداشتم بیشتر کارهای شوهرم را مخفی نگه می‌داشتم. به دلیل اینکه در دوران عقد پرده بکارتم را از دست‌داده بودم به خاطر آبروی خانواده‌ام حرفی نزد. شوهرم به دلیل موقعیت کاری و همکاران و دوستانش هیچ‌گاه دوست نداشت از هم جدا شویم.

جدول ۳. مفاهیم و مقوله‌های استخراج از مصاحبه مرتبط با عوامل بازدارنده فرایند پیمان شکنی

مقوله	مفهوم	گزاره
بازدارنده	عاطفه مادری	فقط نگرانیم نسبت به آینده بچه‌ها بود دوست داشتیم آن‌ها را به سروسامان برسونم هیچ‌وقت نتونستم با شوهرم مقابله به مثل کنم و هرکسی می‌فهمید می‌گفت بخاطر بچه‌ها حرفی نزن
	مسئولیت پذیری یک جانبه و حس ترحم زن	همیشه کارهای شوهرم را بر حسب وظیفه زنانه انجام می‌دادم و به حس ترحمی نسبت به او داشتم چون تمام کارهای منزل و امورات او را انجام می‌دهم فکر می‌کرد دوستش دارم اگر کارهای شوهرم را انجام ندهم همه‌اش مثل خوره به جونم می‌افتد دلم می‌سوزد اگر دیگه به من خیانت کند ازش طلاق نمی‌گیرم فقط ازش دور می‌شم من الان تصمیم دارم با شوهرم زندگی کنم و در واقع برای همین به مشاور اومدم شوهرم خیلی دخترها را دوست دارد و بچه‌ها هم او را دوست دارند شوهر من مثل یه بچه است و وابستگی خاصی به من دارد شوهر من مردی است که هیچ‌گاه نمازش ترک نمی‌شود حتی بر خلاف خودم.
	دوست داشتن فرزندان از طرف مرد وابستگی مرد به زن	
	مقید بودن مرد به واجبات دینی	

هم‌چنین بر اساس مصاحبه‌های انجام گرفته و گزاره‌هایی که از دل این مصاحبه‌ها به دست آمده، پیامدهای ناشی از پیمان شکنی شامل سه دسته تلاش برای انتقام، سکوت کردن و تلاش برای بازسازی رابطه است که مفاهیم اصلی آن در تلاش برای انتقام شامل ناکام ماندن زن در آرزوهای ازدواجش، احساس درماندگی، حس تنفر نسبت به مرد، تلاش برای یارگیری با فرزندان، جدایی، طلاق عاطفی و ترس و سکوت و در مقوله سکوت شامل تلاش برای تسلط به اوضاع یارگیری با نفر سوم، مقاومت کردن و در مقوله تلاش برای بازسازی رابطه شامل تلاش برای جبران و بازسازی خود، تلاش برای بخشش، عدم توجه به پیشنهاد دوستان و راغب بودن به درمان و مشاوره به دست آمده است.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از مصاحبه‌ها در ۴ مقوله عوامل زمینه‌ساز پیمان شکنی، عوامل نگهدارنده و بازدارنده، واکنش‌ها و پیامدها خلاصه شد. در پاسخ به عوامل زمینه‌ای بروز پیمان شکنی، زنان مشارکت‌کننده عواملی را برشمردند که شامل عوامل فردی، بین فردی و اقتصادی می‌باشند. در عوامل فردی و در مورد ویژگی‌های خلقی-رفتاری زن می‌توان به مادرانگی در برابر زنانگی زنان نسبت به مردان اشاره کرد. وقتی زنان در پیوند با مردانی قرار می‌گیرند که به اندازه انتظارشان به آن‌ها ابراز علاقه نمی‌کنند، در چنین شرایطی، هر دو طرف دچار ناکامی می‌شوند

وزنان، به نقش‌های مادرانه‌شان وزن بیشتری می‌دهند (۱۱). در این مورد، در تحقیقی، ناپختگی عاطفی و بی‌ثباتی هیجانی در خصوص شیوه‌های مناسب بروز و ظهور عواطف در روابط زناشویی و نبود صمیمیت و همکاری متقابل را از عوامل آسیب‌زای زناشویی برشمردند (۱۲) که با پژوهش حاضر در یک راستا است. در راستای ویژگی‌های خلقی-رفتاری در پژوهشی بیان کردند که مردان متأهل دارای سابقه جنسی بیشتر از ازدواج، از نگرش سهل‌گیرانه‌تری نسبت به روابط زناشویی برخوردار هستند (۱۳) که با یافته‌های این مطالعه در مورد تجارب قبلی جنسی و ازدواج موقت سازگاری داشته است. این افراد تمایل به زندگی مجردی و خوش‌گذرانی دارند بدون اینکه مسئولیتی داشته باشند و همچنین سعی می‌کنند به بهانه‌های مختلف سفرهای کاری داشته و همین سفرها و دور بودن از خانواده خود عوامل زمینه‌ساز برای فرایند پیمان شکنی خواهد بود.

در مقوله عوامل بین فردی و نبود حریم به روایت مشارکت‌کنندگان در این پژوهش، اغلب مردان درگیر در روابط خارج از ازدواج به دلیل داشتن ویژگی‌های تنوع‌طلبی و هیجان خواهی، از بودن در کنار همسر و پایداری به ازدواج و تحمل محدودیت‌های ازدواج، احساس ناخوشایندی داشته و به دنبال ارضای هیجان خواهی و تنوع‌طلبی خود از طریق رابطه با افراد دیگر بودند. هم‌چنین، برخی از مردان مورد بررسی، اعتماد به نفس پایینی داشتند. تعدادی از آن‌هایی که با مشکلات زودانزالی و

ناتوانی جنسی مواجه بودند، از طریق درگیری در روابط قبل ازدواج، به دنبال راه‌حلی برای ناکامی‌ها و سرخوردگی‌های خود بودند؛ که در زیر مقوله عوامل بین فردی در این پژوهش جا می‌گیرد؛ و همچنین رابطه‌ی نزدیکی بیش‌ازحد به سایر افراد خانواده و دوستان باعث شده مرزهای درهم‌وبرهمی به وجود آید که باعث شده نتوانند رابطه سالمی بین خود و دیگر افراد پدیدآورند؛ و درواقع عدم صداقت مردان در این‌گونه روابط باعث شده که همسرانشان به آن‌ها اعتماد نداشته و باعث از بین رفتن صمیمیت در بین آن‌ها شود. Besser, Shackelford و Goetz (۱۴) نیز در پژوهش خویش بر توجیه‌کننده‌های ارتباطی نظیر فقدان ارضای نیازهای عاطفی در قالب روابط زناشویی به‌عنوان اصلی‌ترین عاملی که زوجین درگیر در روابط فرا زناشویی به‌عنوان علت خیانت خویش مطرح می‌کنند، تأکید کرده‌اند. مهم‌ترین انگیزه زن و مرد متأهلی که به‌سوی روابط خارج ازدواجی روی می‌آورند تجربه مجدد صمیمیت فردی و جنسی است. چیزی که دیگر آن را در زندگی مشترکشان نمی‌یابند (۱۵). از دیگر عوامل زمینه‌ساز بین فردی در یافته‌های این پژوهش، می‌توان به تجارب تلخ دوران کودکی ازجمله سابقه خشونت توسط اعضای خانواده، محیط متشنج خانه، درگیری و مشاجره بین والدین، اعتیاد، طلاق و فوت والدین و سابقه رابطه با جنس مخالف قبل از ازدواج در اعضای خانواده مرد اشاره نمود. یافته‌ای که در پژوهش کیفی «علل بی‌وفایی مردان و زنان» که توسط منصور فتحی و همکاران انجام‌شده، گزارش شده است و با یافته‌های پژوهش حاضر در زیر مقوله عوامل زمینه‌ساز بین فردی شامل: اختلافات خانوادگی، طلاق، ازدواج مجدد، مشکلات در خانواده‌ها همخوانی داشت (۱۶).

همچنین یکی از عوامل مهم که در ازدواج نقش مؤثری دارد، عامل فرهنگی است. عوامل فرهنگی ابعاد مختلفی دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: دین و مذهب، آداب و رسوم، لباس پوشیدن و آراستن ظاهر، سنت‌ها، اعتقادات و باورها و زبان و ملیت (۴). یکی از یافته‌های این پژوهش که در زیر مقوله زمینه‌سازها می‌گنجد، تفاوت‌های فرهنگی بین زوجین است؛ که زن و مرد از دو استان متفاوت با اختلاف فرهنگی بسیار که در بیشتر مسائل باهم اختلاف داشته‌اند و همین تفاوت فرهنگی جزء یکی از عوامل زمینه‌ساز پیمان‌شکنی شده است. عدم

پابندی فرد پیمان‌شکن به باورهای مذهبی و سهل‌گیری در انجام مناسک مذهبی، از مواردی بود که به‌صورت پرتکرار در یافته‌های ما گزارش شد. این نتایج با یافته‌های پژوهش Barry و Nelson (۱۷)، Cnaan, Sinha، و Gelles (۱۸) و Burdette و همکاران (۱۹)، Whisman و همکاران (۲۰) و Plaza (۲۱) درباره نقش حفاظتی جهت‌گیری مذهبی در مشکلات رفتاری به ویژه خیانت زناشویی همسو است.

یکی از یافته‌های پژوهش حاضر، عوامل زمینه‌ساز اقتصادی پیمان‌شکنی بود. مردانی که از نظر اقتصادی به توانمندی رسیده‌اند، بیشتر در معرض پیمان‌شکنی هستند. Peterson (۲۲) در پژوهشی دلایل عهدشکنی مردان ثروتمند و قدرتمند در زندگی زناشویی را این‌گونه بیان کرد که مردان موفق فکر می‌کنند که در زندگی، سخت تلاش کرده‌اند و بنابراین استحقاق داشتن چند رابطه جنسی را نیز دارند. به‌علاوه این مردان معمولاً باهوش هستند و می‌توانند محتاطانه عمل کنند که همین نکته باعث پنهان نگه‌داشتن رابطه پنهانی از همسرشان می‌گردد که این یافته با پژوهش کنونی در مورد نقش دوگانه مسائل اقتصادی همخوانی دارد. در مقوله، عوامل نگهدارنده و بازدارنده در پیمان‌شکنی یافته‌های مطالعه مدرسی در سال ۱۳۹۲ نیز نشان می‌دهد؛ کیفیت رابطه زوجی از نظر نمره کلی کیفیت عشق، صمیمیت، شور و اشتیاق و تعهد و تصمیم در میان افراد دارای سابقه پیمان‌شکنی و سایر زوجها تفاوت معنی‌داری دارد که با نتیجه این مطالعه یکسان بود. Tam و Wong, Fung در سال ۲۰۰۹ در پژوهشی با عنوان خیانت در رانندگان کامیون مسیر هنگ کنگ چین به این نتیجه رسیدند که بین خیانت مردان و نوع شغل رابطه معناداری وجود ندارد، ولی در این پژوهش دور بودن و مسافرت‌های متعدد مرد از خانواده به دلیل شغلش یکی از موارد عهدشکنی آن‌ها محسوب می‌شد. یافته‌ای که ممکن است به‌عنوان یک عامل نگهدارنده موجب تشدید جدایی زوج و عدم تعهد مرد در برابر رابطه زناشویی شود (۲۴).

بسیاری از مردان پیمان‌شکن به‌ناچار در مرحله‌ای از روابط خود به رابطه خارج از ازدواجی اعتراف می‌کنند. این فرایند، می‌تواند یک فرایند خودافشایی باشد و یا کشف توسط زن، خیانت دیده. موردی که در یافته‌های این پژوهش نیز توسط برخی از مشارکت‌کنندگان گزارش شد. در پژوهشی عنوان‌شده زمانی که

ارزش شریک جدید از ارزش شریک زندگی کنونی مرد بیشتر شود احتمال گزارش ارتکاب پیمان شکنی بالاتر است. بعضی از فرایندهای این پژوهش، آشنا بودن نفر سوم با فرد پیمان شکن بوده است چه به صورت همکار و یا فامیل و اینکه به هر دلیلی می‌خواهد به زن بفهماند که او هم یاری برای همسر اوست و در اینجا سعی می‌کنند از همدیگر یارگیری کنند و اینکه همکار بودن مرد با همسر فرد سوم خود باعث عوامل نگهدارنده است (۲۵).

از سوی دیگر مقوله آبرو در جوامع سنتی، گزاره‌ای فرهنگی است که با نگاه سایر افراد جامعه به فرد و جامعه‌پذیری آن‌ها ارتباط دارد. افراد برای زیستن در جامعه سنتی نیازمند حفظ حداقل‌هایی برای حسن شهرت خود هستند. ترس از برچسب خوردن و انگشت‌نما شدن آن روی دیگر سکه‌ی آبرو است؛ بنابراین افراد همواره سعی می‌کنند از آشکار شدن رازهای خود، پیشگیری کنند. آبرو در جوامع سنتی با حفظ کرامت انسانی نیز گره خورده است. حفظ کرامت انسانی در ابعاد مختلفی خود را نشان می‌دهد. این مقوله در ابعادی چون حفظ آبرو و تکریم شخصیت افراد، انسان‌مداری و ارزش‌مداری و ارزش‌های مثبت درونی هر فرد نمایان است. گزاره‌های فرهنگی در قالب دریافت هشدارهایی در مورد «بی‌آبرویی» چنان در برخی زنان درونی شده که آن‌ها خود را برای پیمان شکنی همسرانشان سرزنش کرده و با احساس گناه، تنها به رنج کشیدن در سکوت رضایت می‌دهند. در همین راستا مشارکت‌کنندگان این پژوهش سعی کردند با توجیه حفظ کرامت همسران خود از افشای موضوع خودداری نمایند و آبروداری را مانعی برای افشاء مسئله عهدشکنی زوجشان بدانند که این نتیجه با نتایج برخی پژوهش‌ها هم‌خوانی دارد (۲۶).

در توضیح عوامل بازدارنده می‌توان اشاره کرد یکی از ویژگی‌های اصلی زوجین متعهد، مسئولیت‌پذیری است که به میزان پایبندی افراد در مقابل پیمان بسته‌شده اشاره دارد. پذیرش مسئولیت در ازدواج، معیاری فراهم می‌آورد تا زن و شوهر خود را با آن بسنجند (۲۷)؛ که با نتایج پژوهش کنونی در مورد احساس مسئولیت زنان به‌عنوان مادر بودن مرتبط است. به‌عبارتی دیگر زنان مشارکت‌کننده یکی از عوامل بازدارنده برای

خروج از رابطه قبلی و گسلس ازدواجشان را تعهد در قبال فرزندانشان می‌دانستند.

یکی از نکاتی که شانس بهبودی و پیشرفت زندگی زناشویی را برای زوجینی که بحران پیمان شکنی را پشت سر می‌گذارند، مطرح شده به‌کارگیری روان‌شناسی کنترل درونی، ارضای نیازها بر اساس تئوری انتخاب و پذیرش مسئولیت در ازدواج است (۲۸). این یافته با تلاش‌های زوج در جهت بازسازی رابطه و نقش بازدارندگی این عوامل در ترک رابطه قبلی توسط هرکدام از زوج‌ها در این پژوهش هم‌سویی دارد.

افرادی که با پیمان شکنی مواجه می‌شوند، واکنش‌های مختلفی نشان می‌دهند و هرکدام از این واکنش‌ها با پیامدهای متفاوتی همراه است که در زمینه واکنش‌ها در این پژوهش گزارش شد. انکار و بی‌تفاوتی و خشم و ناباوری و درنهایت پذیرش، مسیری است که برخی از زنان خیانت دیده طی می‌کنند. برخی از زنان نیز پس از کشف حقیقت، تجاهل و فراموشی را به‌عنوان یک مکانیسم دفاعی ناپخته برمی‌گزینند در پژوهشی بیان شده است که کنار آمدن با خیانت به‌ویژه برای کسانی که معتقد به قبیح و نادرست بودن آن هستند دشوار است، لذا افراد درگیر در روابط فرا زناشویی از طریق مکانیسم‌های توجیه‌کننده به‌صورت شناختی و رفتاری سعی در کنار آمدن با این فعل داشته و بدین شکل آن را برای خویشتن قابل‌پذیرش می‌نمایند که با مبحث تجاهل در پژوهش کنونی همسو است (۲۹). در پژوهشی دیگر نیز بر به‌کارگیری توجیهات مختلف جهت ممکن ساختن کنار آمدن با خیانت زناشویی توسط زوجین درگیر در این نوع روابط شده. یافته‌ای که با نتایج پژوهش کنونی ازجمله سوگ و انکار هم‌خوانی دارد (۳۰).

کشف پیمان شکنی، پیامدهای متفاوتی را در مسیر رابطه ایجاد می‌کند. برخی از زنان مشارکت‌کننده به دنبال واکنش سوگ و خشم ناشی از دست دادن رابطه، تلاش برای انتقام را گزارش می‌کردند. این انتقام‌ها گاهی در قالب تلاش برای برقراری یک رابطه موازی و یا بالا بردن هزینه خیانت برای همسر با ایجاد صدمات اجتماعی و بی‌آبرو کردن او در محل کار و زندگی اجتماعی، گزارش می‌شد. Levenson و Gottman (۳۱) زوجین را بر اساس نحوه تعاملشان در هنگام تعارض به همسرهای متعادل و نامتعادل تقسیم می‌کند و همسرهای

همچنین خیانت‌های زناشویی بر کیفیت زندگی زوجین تأثیر منفی داشته و آسیب‌های عمیقی بر روان زوج می‌گذارد؛ اما برخی زوجها برای بازسازی رابطه و دریافت کمک به مراکز درمانی مراجعه می‌کنند. برخی از این زوجها نیاز به مداخله فوری در بحران دارند تا از پیامدهای انفجاری افشای پیمان‌شکنی همچون انتقام‌گیری و تخریب غیرقابل جبران روابط پیشگیری شود. این یافته‌ها با برخی پژوهش‌ها همسو است (۳۴).

تقدیر و تشکر

از همکاری صمیمانه کارکنان مرکز روان‌پزشکی بیمارستان نور که در انجام این طرح همکاری نمودند، صمیمانه قدردانی می‌شود.

نامتعادل در یک گروه زوجین متخاصم تعریف می‌شوند. از نظر Gottman تعارض‌های زوجین متخاصم فراوانی و شدت بیشتری دارد، آن‌ها در هنگام مشاجره به شخصیت یکدیگر حمله می‌کنند و توهین، انتقاد و سرزنش زیادی در تعاملات آن‌ها دیده می‌شود. این موارد با یافته‌های پژوهش که زن آسیب‌دیده سعی می‌کند انتقام خود نسبت به مرد پیمان‌شکن را به صورت عصبانیت، پرخاشگری، تنفر، فکر جدایی، طلاق عاطفی نشان دهد هم‌خوانی دارد (۳۱). عدم رضایت از رابطه زناشویی در پژوهش زمینه‌یابی Treas و Giesen (۳۲) و Vaughan (۳۳)، یکی از علل اصلی در بروز خیانت عنوان شد، در پژوهش حاضر این رخداد به عنوان پیامد افشای پیمان‌شکنی مطرح شده است که هم به صورت عامل و هم معلول می‌تواند منجر به تشدید طلاق عاطفی زوجی گردد که پیمان‌شکنی را تجربه کرده‌اند.

References

1. Family and its function [Internet]. The Presidential Women and Family Affairs Department. 2009 [cited 3 April 2009]. Available from: <http://women.gov.ir>
2. Messripour S, Etemadi O, Ahmadi SA, Jazayeri R. Analysis of the reasons for infidelity in women with extra-marital relationships: A qualitative study. *Modern Applied Science*. 2016; 10(5):151-62.
3. Tedeschi RG, Park CL, Calhoun LG, editors. *Posttraumatic growth: Positive changes in the aftermath of crisis*. Routledge; 1998.
4. Leeker O, Carlozzi A. Effects of sex, sexual orientation, infidelity expectations, and love on distress related to emotional and sexual infidelity. *Journal of marital and family therapy*. 2014; 40(1):68-91.
5. De Stefano J, Oala M. Extramarital affairs: Basic considerations and essential tasks in clinical work. *The Family Journal*. 2008; 16(1):13-9.
6. Gordon KC, Baucom DH, Snyder DK. An integrative intervention for promoting recovery from extramarital affairs. *Journal of Marital and Family Therapy*. 2004; 30(2):213-31.
7. Campbell AM. How selected personality factors affect the relationships between marital satisfaction, sexual satisfaction, and infidelity. Louisiana Tech University; 2009.
8. Worthington Jr EL. Hope-focused marriage: recommendations for researchers, clinicians, and church workers. *Journal of Psychology and Theology*. 2003; 31(3):231-9.
9. Glass SP, Wright TL. *Reconstructing marriages after the trauma of infidelity*. Chichester: Wiley. 1997: 471-507.
10. Lewandowski GW, Ackerman RA. Something's missing: Need fulfillment and self-expansion as predictors of susceptibility to infidelity. *The Journal of social psychology*. 2006; 146(4):389-403.
11. Rahimi A. *An Interactive Pathology of Relationship between Couples before and After the Husband Testament among Women Affected in Isfahan [M.A.]*. Islamic Azad University, Faculty of psychology and educational sciences; 2012.
12. Habibi Asgarabad M, Hajiheydari Z. Qualitative Study for Investigating the Reasons of Sexual Infidelity of Couples who have asked for Divorce in Family Court. *Journal of Family Research*. 2015; 11(2):165-186.

13. Sayed Alitabar S.H, Ghanbari s, Zadeh Mohammadi A, Habibi M. The Relationship between Premarital Sex and Attitudes toward Infidelity. *Journal of Family Research*. 2014; 10(2):255-267. [Persian].
14. Shackelford TK, Besser A, Goetz AT. Personality, marital satisfaction, and probability of marital infidelity. *Individual differences research*. 2008; 6(1): 11-20.
15. Glasser W, Glasser C. *Eight lessons for a happier marriage*. Harper Collins; 2007.
16. Fathi Y, Navabi Nejad S. *Marriage and Family Therapy Advice*. 4th ed. Tehran: Samt; 2012. [Persian].
17. Barry CM, Nelson LJ. The role of religion in the transition to adulthood for young emerging adults. *Journal of Youth and Adolescence*. 2005; 34(3):245-55.
18. Sinha JW, Cnaan RA, Gelles RJ. Adolescent risk behaviors and religion: Findings from a national study. *Journal of adolescence*. 2007; 30(2):231-49.
19. Burdette AM, Ellison CG, Sherkat DE, Gore KA. Are there religious variations in marital infidelity? *Journal of Family Issues*. 2007; 28(12):1553-81.
20. Whisman MA, Gordon KC, Chatav Y. Predicting sexual infidelity in a population-based sample of married individuals. *Journal of Family Psychology*. 2007; 21(2):320.
21. Plaza D. Perception of the consumption of sexual-explicit material as an act of infidelity in the context of college romantic relationships and their connection to population variables [M.A. Dissertation]. College of Sciences and in the Burnett Honors College at the University of Central Florida Orlando, Florida; 2012.
22. Peterson BD, Newton CR, Rosen KH. Examining congruence between partners' perceived infertility related stress and its relationship to marital adjustment and depression in infertile couples. *Family process*. 2003; 42(1):59-70.
23. Modaresi F, Zahedian S, Hashemi N. Degree of marital adjustment and quality of love in divorced applicants have a history of marital infidelity and lack of marital infidelity history. *Armaghane Danesh*. 2013; 19(1):22-34. [Persian].
24. Fung CS, Wong WC, Tam MS. Familial and extramarital relations among truck drivers crossing the Hong Kong-China border. *Journal of sex & marital therapy*. 2009; 35(3):239-44.
25. Starratt VG, Weekes-Shackelford V, Shackelford TK. Mate value both positively and negatively predicts intentions to commit an infidelity. *Personality and Individual Differences*. 2017; 104(1):18-22.
26. Rafeie A, Kalantari M, Neshat Doust H, Hamid O. Personal Constructs of Betrayed Spouses' Understanding of Forgiveness. *Journal of Family Research*. 2017; 13(1):131-152. [Persian].
27. Abbasi H, Ahmadi S, Fatehizadeh M, Bahrami F. The effect of Glaser's reality therapy on personal commitment of couples. *Journal of Family Pathology*. 2016; 2(1):39-53. [Persian].
28. Glasser W. *Marriage without fail: integration*. Translated by Khoshneyyat and Barazandeh. Fara angizeshi, Mashhad: Mohaghegh. 2015. [Persian].
29. Jeanfreau MM, Herring A, Jurich AP. Permission-giving and marital infidelity. *Marriage & Family Review*. 2016; 52(6):535-47.
30. Staples J. Couples' Process of healing from while in therapy [M.A. Dissertation]. University of Nevada; 2012.
31. Gottman JM, Levenson RW. The timing of divorce: Predicting when a couple will divorce over a 14- year period. *Journal of Marriage and Family*. 2000; 62(3):737-45.
32. Treas J, Giesen D. Sexual infidelity among married and cohabiting Americans. *Journal of marriage and family*. 2000; 62(1):48-60.
33. Vaughan, P. *The monogamy myth*. (3rd edition). New York: Newmarket press. 2008.

34. Gordon KC, Baucom DH, Snyder DK. Optimal strategies in couple therapy: Treating couples dealing with the trauma of infidelity. *Journal of Contemporary Psychotherapy*. 2008; 38(3):151-60.

Investigating Marital Contractual Processes in Patients Referred to the Social Psychosocial Center of Noor Hospital

Tahere Heidari Mamadi¹, Saeed Vaziri Yazdi², Seyed Hossein Ebadi³

Original Article

Abstract

Aim and Background: Marital infidelity is one of the factors interfering with family health and the most important factor threatening the performance, stability and continuity of marital relationships. The study aimed to investigate the process of infidelity of men.

Methods and Materials: The present study was conducted with a qualitative approach-theoretical survey. The study population consisted of all women who experienced infidelity and referred to the socio-psychiatric clinic of the Noor Hospital. The study sample included eight female victims of marital infidelity who were purposefully selected. The main data collection method in this research was semi-organized or non-organized interview.

Findings: The results of the interviews were summarized in four categories of underlying factors of infidelity, deterrents and inhibitors, reactions and consequences. The underlying factors included individual, interpersonal and economic factors, deterrents included individual and interpersonal factors. Inhibitors included maternal affection, unilateral responsibility and paternity of wife, loving children by the man, and the attachment of the man to religious obligations. Reactions included reveal of the infidelity by the wife, the wife's ignorance, the attempt to discover the truth, vigilance, grief, denial, and consequences included the attempts for revenge, silence, and attempts to rebuild the relationshi.

Conclusions: According to the findings of the research, consideration of the underlying factors of infidelity and the individual characteristics of the couple has a significant role in the stability or instability of marital relationship. Consideration of these factors by advisers and couple therapists can be effective in improving the marital stability.

Keywords: Marriage, family, marital infidelity.

Citation: Heidari Mamadi T, Vaziri Yazdi S, Ebadi SH. Investigating Marital Contractual Processes in Patients Referred to the Social Psychosocial Center of Noor Hospital. J Res Behav Sci 2019; 17(2): 336-347.

Received: 2019.02.08

Accepted: 2019.08.19

1- MA student, Department of Psychology, Yazd Branch, Islamic Azad university, Yazd, Iran.

2- Assistant Professor, Department of Psychology, Faculty of Humanities, Yazd Branch, Islamic Azad university, Yazd, Iran.

3- Farhangian University, Department of Educational Sciences, Isfahan, Iran.

Corresponding Author: Saeed Vaziri Yazdi, Email: s.vaziri@iauyazd.ac.ir